

استعمار چیست؟

استعمار از لحاظ تاریخی ریشه کهن دارد، حقیقتاً زمانی که انسان از دایره آموزه های الهی و ارزش های انسانی انحراف کرد، خودخواهی را اختیار نموده، انسان دیگر را حقیر دانسته و چشم به منابع دیگران دوخته، لذا با غرور فردی یا قومی، ملت ها را دنباله رو اخلاق، زندگی اجتماعی و تمدن مورد نظر خود دانسته، هر نوع آزادی آنان را سلب نمود.

واژه استعمار ظاهراً مفهوم مثبت را در ذهن ترسیم می نماید، چون به معنای (طلب آبادی و عمران) است، اما تاریخ نشان داده است که استعمارگران هیچگاهی به هدف پیشرفت، آبادی و بهبودی ملت ها به آنان نمی تازند، بلکه با این صورت می خواهند برای پلان های آینده استکباری شان منابع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملت های

ضعیف را به دست آورند. وظیفه استعمارگران فقط تحقیر ملت ها، فقیر و برده ساختن آن ها، تفرقه اندازی، دانش زدایی، جلوگیری از پیشرفت های مادی، از همه مهمتر بیگانه ساختن ملت ها از تاریخ و فرهنگ دینی و ملی شان است.

اقسام استعمار

استعمار در طول تاریخ دوره های متعددی داشته است:

1- **استعمار کهن:** در این دوره، اشغالگران بر ملت ها و کشورهای ضعیف، لشکرکشی نموده، مسئولین خود را بالای شان مسلط می کردند، و به واسطه آنان تمامی منابع طبیعی و انسانی آنان را به خدمت کشور خود در می آوردند و با برده گیری ها و استثمار، شکنجه های زیاد را بر آنان تحمیل می نمودند. درین تعریف می توان از اشغال کشورهای هند، افغانستان، مصر، مراکش، لیبیا، فلسطین، ایران، اندونیزیا، آسیای میانه، و دیگر کشورهای عربی، اروپای شرقی و افریقا و آسیا را توسط انگلستان، شوروی، اسرائیل، ایتالیا، فرانسه، آلمان، هالنند... نام برد.

2- **استعمار جدید:** با گذشت زمان ریشه های مقاومت در برابر استعمار مستقیم میان ملت ها عمیق تر شده رفت، به ویژه در کشورهای اسلامی که اسلام، با تصور جهاد، همه تلاش های آنان را در هم می شکست. از سویی هم استعمارگران باید برای نوع مستقیم، هزینه بلند مالی و جانی را می پرداختند. با توجه به همین علت ها، نظریه پردازان آنان، نوعی دیگری استعمار (استعمار جدید) را به میان آوردند. در این استعمار برده گی فکری نکته اصلی بود و نیروهای استعماری به جای لشکرکشی، نخبه ها و افراد متنفذ و مستعد ملت ها را از لحاظ ذهنی

تخدیر می نمودند، و آنان پس از ذوب شدن در ارزش ها و افکار غربی، به کشور خویش اعزام می شدند و بر گرده ملت خود سوار شده، زمام امور را به دست می گرفتند. با آغاز این دوره، کشورهای عقب افتاده، قشر با سواد شان را غرض تحصیل به اروپا اعزام نمودند، آنان پس از ختم تحصیل با روحیه شکست خورده تمدنی، به وطن برگشتند، طوری که در تمامی عرصه های زندگی تقلید از غرب را راز پیشرفت و رشد جامعه می دانستند. همین افراد زمام امور را در کشور های خویش بدست گرفته، تمام ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سیاسی کشور را در خدمت بیگانگان گذاشتند. درین دوره، استعمار در میان کشورها قهرمان های دروغین تولید کرد، اینها آشکارا بر ضد استعمار و استثمار شعار می دادند، اما در عمل آنچه که استعمار می خواست انجام می دادند، اینان در حد شعار آزاد بودند اما در ساحه عمل سخت وابسته. در

نتیجه، استبداد رشد نمود، تهاجم فرهنگی جای تبادل فرهنگی را گرفت و ارزش های غربی به جای ارزش های دینی و ملی آمدند. نکته قابل ذکر این است که تفاوت میان استعمار کهنه و نو، امروز هم از روی منافع قدرت های استعمارگر تعیین می شود. زیرا امروز هم، در بسیاری کشور های مستضعف حضور پُررنگ عسکری دارند، امروز هم در گوشه و کنار جهان صدها پایگاه نظامی دارند، امروز در بحرهای جهان عرب کشتی های بزرگ نظامی شان لنگر انداخته اند، بالاخره اینکه هم اکنون به شمول افغانستان، بسیاری از کشورها، حضور و تجاوز نظامی بیگانه گان را تحمل می نمایند. این همه بدین معناست که استعمارگران هرگاهی که بخواهند، برای منافع خویش فضا سازی کرده، گاهی مستقیم و زمانی با استعمار فکری جنگ اهداف خویش را به پیش می برند.

اسلام و استعمار

اسلام هیچگاه در برابر استعمار، استثمار، ظلم و تجاوز از تسامح و

تا حالا استعمار جدید، مراحل تکاملی اش را می پیماید؛ یک مرحله اش این بود که بالای زمامداران ممالک کار می کردند. آنان در کشور های مستعمره حضور نظامی نداشتند، مگر حاکمان شان را از خود ساخته بودند. ولی چنان تصور می شود که شاید آن مرحله تکاملی را نیز تجربه نمایند که به عوض حاکمان، در میان ملت ها برای رشد ارزش های خویش فضا سازی نموده، از راه قیام های مردمی به اهداف استعماری شان برسند که این همان خطرناکترین مرحله است و اگر حرکت های اسلامی با دیده باز و پلان های سنجیده وارد عمل نشوند، ممکن عاقبت کار، به نفع غرب تمام شود.

تعیین می شود. زیرا امروز هم، در بسیاری کشور های مستضعف حضور پُررنگ عسکری دارند، امروز هم در گوشه و کنار جهان صدها پایگاه نظامی دارند، امروز در بحرهای جهان عرب کشتی های بزرگ نظامی شان لنگر انداخته اند، بالاخره اینکه هم اکنون به شمول افغانستان، بسیاری از کشورها، حضور و تجاوز نظامی بیگانه گان را تحمل می نمایند. این همه بدین معناست که استعمارگران هرگاهی که بخواهند، برای منافع خویش فضا سازی کرده، گاهی مستقیم و زمانی با استعمار فکری جنگ اهداف خویش را به پیش می برند.

اسلام هیچگاه در برابر استعمار، استثمار، ظلم و تجاوز از تسامح و

گذشت کار نمی گیرد، بلکه مبارزه همه جانبه و جهاد را اساس کار می داند: مبارزه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی... و بالاخره قتال که هر کدام نظر به حالت خویش از خطوط اساسی اسلام در زمینه می باشد. از لحاظ تاریخی دوره فراعنه مصر، یکی از سیاه ترین دوره های استعمار است. آنجا که فرعون و قوم اش، بنی اسرائیل را از آزادی های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی محروم ساخته بود. چون بنی اسرائیل به صورت کل موحد بودند و به بت های فرعونیان باور نداشتند و دارای دین و فرهنگ ویژه خود بودند و از لحاظ دانش و هوشیاری بر قبطیان برتری داشتند که این وضعیت برای فرعون قابل تحمل نبود، همان بود که بالای آنان از هیچ نوع ظلمی دریغ نورزیدند، آنان را ذلیل و خوار ساختند، فساد را میان شان شایع کردند، نوزادان پسر شان را می کشتند و دختران را نگه می داشتند و از همه دردآورتر به قول بعضی مفسرین، زنان آنان را به بی حیایی مجبور می ساختند.

قرآن کریم در کنار بیان این داستان، تصویر زیبا از وعده های الهی برای اقوام ستمدیده را دارد؛ ترجمه: (به تحقیق فرعون در سرزمین سر برافراشت و مردم آن را گروه گروه ساخت، طبقه ای از آنان را زبون می داشت، پسران شان را سر می برید و زنان شان را [برای بهره کشی] زنده می گذاشت. او از فسادکاران بود. و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم). (القصص ۴-۵).

بدین ترتیب قرآن عناصر موجود استعماری را در عملکرد فرعون ثابت ساخته، پشتیبانی اش را با مستضعفین اعلان نموده و برای آنان آینده روشن و بهتر را وعده می سپارد. اسلام، مسلمان را از بردگی انسان ها آزاد می خواهد و در هیچ حالت وی را غلام انسان های دیگر نمی پذیرد.

ملکه سبأ استعمار را تعریف می نماید:

قرآن مجید جای دیگر از زبان ملکه سبا شرحی از پادشاهان مستبد را چنین می آورد: « پادشاهان زمانی که به کشوری داخل شدند، پس آن را ویران ساخته و افراد عزتمند آن را ذلیل و خوار می سازند...» (النمل ۳۴) این جمله کوتاه، تعریف جالبی ارائه می دارد: استعمار ملت ها و کشورها را در تمامی ابعاد تخریب نموده، اگر احساس خودی و شور آزادی در کسی بیدار گردد، آن را خاموش نموده و افراد باعزت را ذلیل می سازد.

از لحاظ تاریخی افغانستان از تجاوزهای قدیم گرفته تا استعمارهای معاصر، طعم تلخ تمامی استبدادها و ستم‌ها را چشیده است. این کشور از لشکرکشی‌های اسکندر مقدونی گرفته تا چنگیزیان، گرگین، انگلیس، اتحاد شوروی و در سناریوی تازه، تجربه تجاوز چهل کشور را داراست، در این میان هریک خاطره‌های تلخ کشتن و بستن و چپاول و ویرانی را در اذهان باشنده‌های این مرز و بوم برجای گذاشته‌اند و همواره تلاش‌های شان این بوده تا چگونه بتوانند از موقعیت جیوپولیتیک کشورما استفاده نموده و بر کشورهای دیگر منطقه تاخت و تاز نمایند. ولی در طول تاریخ تمامی آن‌ها در برابر حس آزادیخواهانه و جهادگرایانه افغان‌ها و طی جنگ‌ها خونین این مردم شجاع، با شکست مواجه شده‌اند؛ طوری که سکندر مقدونی آرزویش را با خود به گور برد، اولاده چنگیز با مقاومت بزرگی در این سرزمین مواجه شد، شهامت میرویس نیکه، عزم استعماری گرگین را با خاک یکسان نمود و نهایتاً انگلیس تاریخ سه

شکست فجیعانه را برجای گذاشت. تاریخ ما پر از چنان واقیعت‌های افتخار آمیز است که شاید برای جهان افسانه باشد. اینجا در شاهراه کابل- جلال آباد از هژده هزار سرباز انگلیس، فقط داکتر برابردن می‌تواند، زنده فرار نماید.

«شکست اتحاد شوروی» کتابی است بزرگ از تاریخ معاصر که در آن بوریس گروموف به خط سرخ درشت در آن می‌نویسد که: (می‌خواهم از عمق قلب کسانی را دُشنام دهم که فیصله نمودند تا عساکر شوروی به افغانستان اعزام گردد، می‌خواستم کسانی را به یاد آورم که تا امروز زنده برنگشتند و از مادران شان معذرت بخواهم...)

حالا نیز تسلسل این حماسه‌ها ادامه دارد. حالا نیز تجاوز است و جنگ‌ها. حالا نیز مبارزه ملت‌ها راه را برای آرمان‌های آزادی باز می‌نماید.

با استعمار چه باید کرد؟

در سه مرحله می‌شود با استعمار مبارزه کرد:

۱- قبل از استعمار:

گام‌های مهم این مرحله، تقویة ارزش‌های دینی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و سیاسی ملت است. در پرتو آموزه‌های اسلام تعریف‌های آزادی، استقلالیت، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و منافع ملی به ملت و نسل جوان ارائه گردد؛ زبان‌های استعمار و فرجام برده‌گی به ملت بیان شود و بالاخره ایجاد چنان پیوند قوی ملت با تاریخ خویش که باز با هر گونه استعمار همچون نیاکان قهرمان‌شان مبارزه نمایند.

۲- در جریان استعمار:

قوت این مرحله را مرحله قبلی تعیین می‌نماید. در این مرحله، مبارزه مناسب با تمامی وسایل و ظروف در برابر استعمار شامل است. در جریان اشغال، ملت یکی از دو راه دارد، یا غلامی می‌کند یا مقاومت همه‌جانبه.

۳- پس از استعمار:

این مرحله سنگین‌تر و شعوری‌تر از دو مرحله دیگر است، این مرحله نیاز به آمادگی، کدرها و تعامل مهذب دارد؛ این همان مرحله است که در آن به ویژه افغان‌ها پس از هر پیروزی با شکستی روبرو می‌شوند؛ این واقیعت است که در کشور ما همواره جنگ‌های صورت گرفته و به پیروزی رسیده اما این هم واقیعت است که پس از پیروزی، شکستی دیگری آغاز شده است. علت آن یا ضعف و نبود قیادت ملی است و یا هم چنان تعدد قیادت‌ها که پس از پیروزی‌ها، بر سر تقسیم قدرت چنان نفاق و شقاق گسترش می‌یابد که به هیچ وجه قابل شدن دولت واحد از آن متصور نمی‌باشد. به این خاطر به همان اندازه که برای محو

استعمار آمادگی لازم است، با سنجیدگی بیشتر، آمادگی حکیمانه دیگری برای مرحله پس از استعمار نیاز است. من حیث یک نتیجه منطقی، می‌باید در جریان مبارزه علیه استعمار، بالای کدرها، سیستم‌ها و تجاربی کار شود،

ما به چنان زعامت‌های ملی نیازمندیم که تمامی جریان‌های سیاسی-اجتماعی کشور را به شکل طبیعی طوری دور هم جمع نماید که راه را برای جنگ‌ها و تنش‌های داخلی کاملاً مسدود سازد؛ به چنان فضای مسامحت آمیز و تحمل‌پذیری بی‌نیاز است که در آن تمامی جریان‌های متذکره، حضور متوازن داشته باشند که در نتیجه آن آتش هر نوع کشمکش‌ها و جنگ‌های برخاسته از حس محرومیت، خاموش گردد. و بالاخره حکومتی به میان آید که در کنار اقتدار ملی و حاکمیت سیاسی، هنر و توانایی تعامل و کار با منطقه و جهان را داشته باشد.

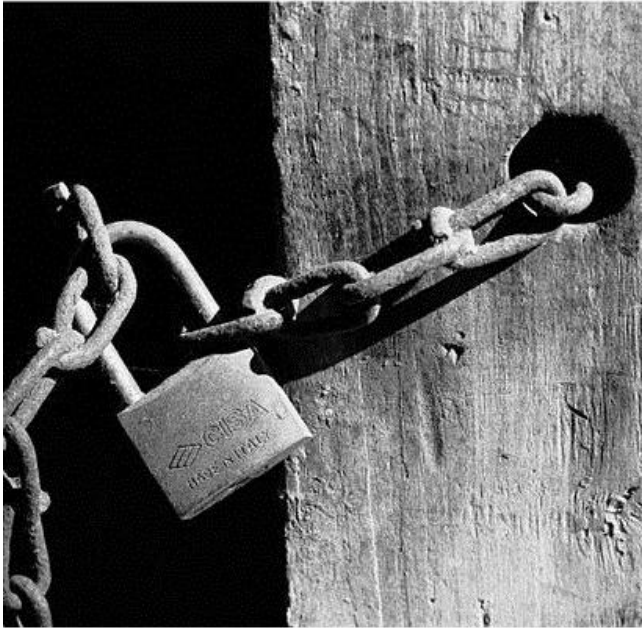
که بتوان در مرحله آزادی توسط آن طرح دولتی توانا ریخت.

پیام اصلاح

پیام اصلاح سلسله دعوتی است که به منظور احیای ارزش‌های دینی، پخش فهم درست اسلام و تربیت نسل جوان براه انداخته شده است. پیام هر ۱۵ روز یک بار به زبان‌های پشتو و دری نشر می‌گردد که شماره ۴۱ آن به تیراژ ۱۱۰۰۰۰ برگه در ولایات کابل، کندهار، ننگرهار، مزار، کندز و هرات چاپ شده، در ۱۸ ولایت کشور توزیع گردید. اعضای پیام تعدادی پیام را در مقابل پول بدست آورده، مجانی توزیع می‌نمایند.

بخش جوانان جمعیت اصلاح

پیام اصلاح ۴۱



استعمار

مبارزه

و آزادی

ارتباط با ما

آدرس: کابل، خوشحال مینه، عقب بلاک‌های شاداب ظفر
نمبر تلفون: ۰۷۹۴۶۶۸۸۲۶

در امواج رادیویی: رادیو صدای اصلاح: 104.3 FM

www.payameslah.com - info@Payameslah.com

این پیام حاوی آیات و احادیث است، لطفاً آنرا در مکان محفوظ نگه دارید